



## تأثیر اصلاحات ارضی بر مهاجرت مردم از روستاها به شهرها در دوره پهلوی دوم

روح‌الله طاهرنیا<sup>۱</sup>

### چکیده:

در دوره حکومت محمدرضا شاه پهلوی آمریکایی‌ها به بهانه رشد کشاورزی و بهبود وضعیت روستائیان و در اصل برای جلوگیری از نفوذ شوروی و کمونیسم و وابستگی اقتصادی و سیاسی به این نتیجه رسیدند که ایران را به عنوان اولین کشوری که می‌تواند اصل ۴ ترومن اجرا نماید، انتخاب نمودند. علاوه بر این مجموعه‌ای از عوامل داخلی باعث شد که محمدرضا شاه پهلوی برای تقویت پایه‌های قدرت خود، کسب حمایت‌های خارجی و حمایت قشر عظیم روستایی به اصلاحاتی از جمله اصلاحات ارضی (۱۳۴۱-۱۳۵۰) که از اصول شش گانه انقلاب سفید بود بپردازد. اصلاحات ارضی از لحاظ سیاسی برای رژیم پهلوی موفق بود ولی از لحاظ اقتصادی و اجتماعی باعث رکود کشاورزی و تبدیل شدن ایران به یکی از واردکنندگان غلات و به دنبال آن مهاجرت گسترده روستائیان به شهرها بود که این مورد اخیر پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهمی را برای شهر و روستا به دنبال داشت. سوال اصلی در این پژوهش تأثیر اصلاحات ارضی بر مهاجرت مردم از روستاها به شهرها در دوره پهلوی دوم می‌باشد. اصلاحات ارضی در کوتاه مدت از لحاظ سیاسی موفق بود ولی در بلندمدت از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناموفق بود. روش تحقیق در این پژوهش، از نوع توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و بررسی اسناد است و در بررسی کتابخانه‌ای منابع دست اولی که راجع به مهاجرت روستائیان به شهرها در دوره محمدرضا شاه نوشته شده در اولویت هستند. یافته‌ها حکایت از پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اصلاحات ارضی دوره محمد رضاشاه پهلوی دارد که مهمترین پیامد آن خالی شدن روستا از سکنه، مهاجرت به شهرها و رشد بیکاری و حاشیه نشینی بود.

**واژگان اصلی:** اصلاحات ارضی، مهاجرت، محمدرضاشاه پهلوی، شهر، روستا.

## مقدمه

پیشینه‌ی فکر اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی در بین کشاورزان از آغاز جریان نهضت مشروطه به بعد در ابتدا در میان منورالفکران وجود داشته و از برنامه‌های حزب اجتماع‌یون از جناح دموکرات بوده است که سابقه تشکیل خود این حزب هم به مجلس دوم مشروطه بر می‌گردد که در این مجلس آن‌ها چون در اقلیت بودند و در نهایت این مجلس با اولتیماتوم روس‌ها منحل شد و طرح قانونی برای اصلاحات ناکام ماند. (هوگلاند، ۱۳۹۸: ۷۷) (بصیرت منش و همکاران، ۱۴۰۲: ۳) قدم بعدی در مورد اصلاحات را نهضت جنگل با رهبری میرزا کوچک خان جنگلی در مناطق تحت نفوذ خود برداشتند. در این مورد آن‌ها کمیته‌هایی برای رسیدگی به اوضاع زارعان تشکیل دادند و اراضی مالکانی که با نهضت جنگل مخالف بودند مصادره شد و در ادامه با شکست نهضت، تلاش‌های آن‌ها در این زمینه بی‌نتیجه ماند. (ازکیا، ۱۳۷۰: ۱۰۶) (بصیرت منش و همکاران، ۱۴۰۲: ۳) در دوره محمدرضا شاه پهلوی، اندیشه اصلاحات ارضی یکی از اهداف و آرمان‌های گروه‌های چپ در ایران بود، حزب توده برای جلب توده‌های کشاورز، علاوه بر فعالیت‌های تبلیغی، اتحادیه دهقانان را به وجود آورد. (مرشدی زاده، ۱۳۸۶: ۲۰۴) (بصیرت منش و همکاران، ۱۴۰۲: ۴) بعد از آن در زمان نخست‌وزی محمد مصدق جبهه ملی تلاش‌هایی برای انجام اصلاحات ارضی انجام داد؛ از جمله اعلام دو فرمان یکی به نفع برنامه‌های عمرانی و دیگری لغو عوارض سنگین زارعان بود اما این تلاش با توجه به عمر کوتاه دولت محمد مصدق به نتیجه نرسید. (لمبتون، ۱۳۹۴: ۳۷-۳۸) (بصیرت منش و همکاران، ۱۴۰۲: ۴)

## وضعیت اراضی پیش از اصلاحات ارضی

یک تحلیلگر مارکسیست، در مورد وضعیت توزیع زمین در ایران آن دوره می‌نویسد: "مالکین در میان نمایندگان مجلس، صاحب منصبان و کارمندان دولتی و به نسبت کمتری میان تجار و متخصصان، از سایر طبقات بیشترند. زمین در میان اعضای همان خانواده برای مدت نامحدود باقی می‌ماند و از طریق وراثت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد." (سوداگر، ۱۳۵۹: ۱۳۲) جیمز فریزر، به عنوان یک ناظر خارجی، از کشاورز ایرانی چنین یاد می‌کند: "هیچ طبقه از (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۹۲: ۱۹۳) مردم را نمی‌توان یافت که به قدر دهقانان و برزگران محنت زده و زحمتکش باشند. پیوسته به زور از آنان مال می‌ستانند و به آنان ستم می‌کنند و دهقانان را از این معنی گریزی نیست. آن‌چه بیشتر دل آدمی را به درد می‌آورد این است که ظلم و ستم را، نه از حیث کمیت پایانی

است و نه از نظر کیفیت." (پورافضل و نجفی، ۱۳۵۱: ۲۳) (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۹۲: ۱۹۴)

### وضعیت زمینداری در ایران عصر پهلوی

گسترش املاک خصوصی و به دنبال آن ظلمی که در حق رعایا می شد، باعث شد که اندیشمندان و روشنفکران عصر مشروطه زمینه را برای طرح تقسیم اراضی فراهم نمایند. اولین بار میرزا ملکم خان ناظم الدوله طرح واگذاری املاک به دهقانان را بیان نمود. وی در قانون هفتاد و سوم دفتر تنظیمات (کتابچه غیبی) فروش املاک خالصه دیوانی را به دهقانان مطرح نمود، اجرای این قانون را نیز از وظایف وزیر داخله دانست. (محیط طباطبایی، ۱۳۲۷: ۵۰) پس از وی، میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی نیز طرح الغای نظام ارباب رعیتی را القا نمود. (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۶۹) اما علی اکبر دهخدا برخلاف این دو نفر، مسأله فروش را مطرح ننمود؛ بلکه معتقد بود کم املاک خالصه را بایستی میان دهقانان تقسیم نمود. (دهخدا، ۱۳۶۴: ۱۱۹) در این دوره گروه‌های سیاسی مثل اجتماعيون عاميون در زمینه اصلاحات ارضی برنامه ای رادیکالی داشت و برای اولین بار شاخه مشهد این حزب در سال ۱۲۸۶ش تقسیم املاک خالصه را بدون غرامت بین رعایا مطرح نمود. (آدمیت، ۲۵۳۵: ۴۵) در مقابل این حزب حزب اعتدالیون قرار داشت که بر حفظ مالکیت خصوصی تاکید داشت. در مجموع در دوره مشروطه نظام زمین داری در جهت رشد املاک خصوصی و اربابی پیش رفت. قانون اصلاحات ارضی یکی از اساسی ترین اصول انقلاب سفید در دوران پهلوی بود. تا قبل از تصویب و ابلاغ این قانون در سال ۱۳۴۰ش بیش از نیمی از زمین های کشاورزی کشور در اختیار مالکان بزرگ بود و زارعین و کشاورزان به صورت روزمزد یا درصدی از عایدی فروش محصول در این زمین ها کار می نمودند. در زمینه تحول نظام زمین داری مطابق این قانون مالکان بزرگ ملزم شدند تا بخش عمده این زمین ها به واسطه دولت به زارعین و ساکنین روستاها و با شرایط آسان واگذار کنند. تصویب و اجرای این قانون در همان زمان و بعد از آن مخالفین زیادی داشت. عمده این مخالفین فئودال ها و مالکان بزرگ بودند و دسته ای دیگر افرادی که تغییر نظام ارباب رعیتی را باعث کاهش بهره وری در کشاورزی می دانستند. محمدرضا شاه پهلوی در سال ۱۳۲۱ش فرمان واگذاری کلیه زمین های غصبی، معروف به املاک اختصاصی شاهنشاهی را به صاحبان اصلی صادر نمود. از ابتدای پهلوی دوم تا پایان اصلاحات ارضی در چند مرحله، زمین های سلطنتی به کشاورزان واگذار شد. با این وجود، بخش عمده ای از زمین ها همچنان تا انقلاب اسلامی در دست خانواده سلطنتی باقی

ماند. اصلاحات ارضی، بزرگ‌ترین تغییر و تحول نظام مالکیت زمین در ایران بود. این برنامه در سه مرحله بین سال‌های ۱۳۴۱ ش تا ۱۳۵۱ ش از عمده مالکان تا خرده مالکان خلع ید نمود. بزرگ‌ترین دستاورد اصلاحات ارضی، سقوط نظام ارباب رعیتی بود. (اشرف و بنو عزیز، ۱۳۸۷: ۷۷) (کرمی و طاهری مقدم، ۱۴۰۰: ۲۸۴) در دوره پهلوی دوم با وجود شکسته شدن مالکیت‌های کلان، همچنان ۱۷۰۰۰ دهکده عمده مالکی وجود داشت. عمده مالکان دوره پهلوی، بین یک تا صد و پنجاه روستا در مالکیت داشتند. این ارقام نسبت به دوره قاجاریه نشان از گسترش خرده مالکی دارد، برای نمونه در دوره قاجاریه، ظل السلطان مالک ۲۰۰۰ روستا بود. ایجاد طبقه چند میلیونی خرده مالکان از نتایج اصلاحات ارضی بود. در آستانه اصلاحات ارضی بیش از دو میلیون و دویست خرده مالک وجود داشت. خرده مالکان دست کم ۲۰ درصد جمعیت ایران را شامل می‌شدند. تعداد یک میلیون و سیصد خرده مالک سلب مالکیت و در مرحله سوم اصلاحات ارضی، بیش از یک میلیون و دویست رعیت مالک زمین شدند. (هومن، ۱۳۴۱: ۶۲۱) (کرمی و طاهری مقدم، ۱۴۰۰: ۲۸۶)

### اصلاحات ارضی در ایران

اصلاحات ارضی مهم‌ترین برنامه‌ی تحول اجتماعی در زمان دولت پهلوی بود که این دولت با الهام از افکار مورخ اقتصادی برجسته‌ی آن عصر آمریکا، یعنی Walt Whitman Rostow به دنبال پیاده‌سازی نسخه‌ی غربی توسعه در ایران بود. نظریه‌ی پنج مرحله‌ای Rostow مشهور به نظریه‌ی خیز است که برای توسعه‌ی کشورهای توسعه نیافته توصیه و اجرا می‌شد. مراحل پنجگانه‌ی رشد اقتصادی شامل جامعه‌ی سنتی، مرحله‌ی ما قبل خیز (مرحله‌ی مقدماتی)، مرحله‌ی خیز و جهش اقتصادی، مرحله‌ی بلوغ اقتصادی و مرحله‌ی تسریع در سرعت رشد فناوری است که منتج از گسترش فناوری مدرن است. (خرمشاد و موسی نژاد، ۱۳۹۶: ۱۴۸) (عزیزی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲۰) در ایران برنامه‌ی اصلاحات ارضی طی یک دهه از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ ه.ش در سه مرحله اجرا شد. از ابتدای دوره‌ی پهلوی دوم، فضای عمومی جامعه‌ی ضد اربابان و نظام-ارباب رعیتی شکل گرفت؛ به گونه‌ای که اربابان عامل بدبختی رعایا و نظام ارباب رعیتی، عامل اصلی عقب ماندگی کشور قلمداد شد. (کرمی، ۱۳۹۸: ۱۶۴) (عزیزی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲۰) از این رو، در جریان اصلاحات ارضی مناسبات ارباب-رعیتی بیشتر برچیده و طبقه‌ی زمیندار بزرگ از مجموعه طبقاتی کشور حذف و در نهایت، ساختار طبقه بندی اجتماعی جامعه دگرگون شد. (وثوقی و عبداللهی،

۱۳۹۳: ۸۴) (عزیزی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲۰) در دوران کندی، والتر روستو مشاور امنیتی او، سلسله رفرم‌های اقتصادی و به ویژه طرح اصلاحات ارضی را در کشورهای امریکای جنوبی و خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی تئوریزه کرد (شهبازی، ۱۳۸۶: ص ۳۰۲) در همین زمان کندی از محمدرضا پهلوی خواست اجرای برنامه اصلاحات را در دستور کار خود قرار دهد. کندی معتقد بود به دلایل سیاسی تنها راه حفظ دولت‌های طرفدار غرب در جهان سوم، انجام یک برنامه اصلاحات است که اصلاحات ارضی در آن جایگاه خاصی داشت. (هالیدی، ۱۳۵۸: ۲۷)

قانون اصلاحات ارضی در ایران در سه مرحله به اجرا در آمد. علی امینی در دوران صدارتش مرحله اول اصلاحات ارضی را اجرا کرد. مرحله دوم آن در قالب انقلاب سفید به عنوان یکی از اصول شش‌گانه مطرح شد و مرحله سوم آن را هم دولت هویدا در سال ۱۳۴۷ ش به اجرا درآورد. هر مرحله از قانون اصلاحات ارضی در واقع پاسخی به تغییرات فضای سیاسی و موازنه قدرت بود. اجرای قانون، بیستم دی ماه ۱۳۴۱ ش را اولین مرحله اصلاحات ارضی می‌نامند. در این قانون مطلبی در مورد اهداف اصلاحات ارضی نیامده بود. اما حسن ارسنجان‌ی وزیر کشاورزی کابینه علی امینی، سه هدف عمده این قانون را تحت عناوین سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیان می‌دارد. (آبراهامیان، ۱۹۸۲: ۴۳۲) (هوجلاند، ۱۳۹۸: ۵۱) (مقصودی، ۱۳۸۰: ۳۹۳) مهم‌ترین هدف در واقع هدف سیاسی یعنی اضمحلال قدرت زمین‌داران و آزادسازی دهقانان از یوغ کنترل مالکان بود. هدف اقتصادی این قانون افزایش تولید کشاورزی از طریق ایجاد انگیزه در میان دهقانانی بود که مالک زمین می‌شدند و بالاخره سومین هدف یعنی هدف اجتماعی، افزایش درآمد مردم روستاها و توزیع عادلانه درآمد کشاورزی. پس به طور خلاصه، این مرحله که توسط حسن ارسنجان‌ی به اجرا درآمد به دنبال ایجاد نظام مالکیت کشاورزی دهقانی بود. (همان: ۳۹۳) در مرحله اول از میان ۵۱۳۰۰۰ روستای موجود در ایران، تعداد ۱۳۹۰۴ روستا توسط دولت خریداری و ۵۰۰۰ روستا میان دهقانان توزیع شد. (مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۳۶) بدین ترتیب تنها بیست درصد جمعیت روستایی تحت پوشش اصلاحات ارضی قرار گرفتند. در پایان این مرحله، قدرت مالکان به طور عمده کاهش یافت و دولت جای آن‌ها را گرفت. مرحله اول اصلاحات هرچند به طور نسبی موفقیت‌آمیز بود ولی ضرورت اجرای قانون اصلاحات ارضی به شکل منطقه‌ای و جداگانه، نه به شکل هم‌زمان باعث شد تا مالکان بتوانند در مخالفت با آن تشکل یابند. (مقصودی، ۱۳۸۰: ۳۹۳) بعد از مرحله اول اصلاحات ارضی مرحله دوم اصلاحات ارضی آغاز شد، در واقع این مرحله قرار بود در دی ماه ۱۳۴۱ ش شروع شود، (لمبتون، ۱۳۸۱: ۱۰۴-۱۰۳) این

مرحله نا سال ۱۳۴۵ش به اجرا در نیامد. (هوگلاند، ۱۳۹۸: ۱۰۵-۱۰۴) می‌توان گفت که مرحله دوم، به نحوی در جهت عکس مرحله اول عمل نمود به این ترتیب که انتخاب بیشتر زمینداران از میان انتخاب‌های مذکور در قانون مرحله دوم، اجاره دادن زمین بود. انتخاب بعدی تاسیس واحد‌های کشاورزی بود. تنها یک درصد کل زمین‌های تحت پوشش این قانون به مالکیت دهقانان درآمد. در نتیجه هرچند مرحله دوم اصلاحات در مجموع تعداد بیشتری از دهقانان را در مقایسه با مرحله اول پوشش داد ولی تعداد کمتری از دهقانان صاحب زمین شدند (هوگلاند، ۱۳۹۸: ۶۴) (مقصودی، ۱۳۸۰: ۳۹۵) در مجموع مرحله دوم به نتایج مورد انتظار نرسید به این معنا که نه تنها تولید کشاورزی افزایش نیافت بلکه به نوعی نارضایتی در میان دهقانان منجر شد و دهقانان چنین برداشتی داشتند که این انتخاب‌ها توسط مقامات دولتی و بی‌دغدغه نسبت به منافع دهقانان به آنان تحمیل شده است که این البته موجب ناامیدی و نارضایتی آنان نسبت به دولت شد. (هوگلاند، ۱۳۹۸: ۶۶) برای همین بود که دولت تصمیم گرفت که مرحله سوم اصلاحات ارضی را شروع نماید این مرحله تا حدی به بحث مالکیت که در دو مرحله قبل مطرح بود می‌پرداخت و نا حدی هم به مسئله نوسازی کشاورزی و توسعه تولید توجه داشت. شروع این مرحله در واقع با اجرای قانون توزیع و فروش زمین‌های تحت اجاره در سال ۱۳۴۸ش شروع شد. طبق این قانون زمین‌هایی که در مرحله دوم اصلاحات ارضی به اجاره سی ساله رفته بود باید به مالکیت دهقانان در می‌آمد. با این که این مرحله در دو سال و نیم بعد یعنی دوم مهرماه ۱۳۵۰ش پایان گرفت ولی هنوز معلوم نیست که از میان یک میلیون و دویست و پنجاه هزار خانواده دهقانی که دارا قرارداد اجاره براساس مرحله دوم بودند چند خانواده توانستند مالک زمین شوند. براساس یک تخمین از این تعداد، در حدود ۷۳۸۱۱۹ خانواده مالک زمین شدند. (مقصودی، ۱۳۸۰: ۳۹۵) به دنبال اجرای برنامه اصلاحات ارضی سیستم کشاورزی نابود و دهقانی که تا قبل از اجرای برنامه اصلاحات ارضی روی زمین کار می‌کردند و یا با برنامه اصلاحات ارضی صاحب زمین شده بودند در پایان، از زمین‌های خود طرد و آواره شهرها شدند و به تبع آن سیستم کشاورزی مختل و کشور صحنه واردات محصولات خارجی شد به طوری که در سال ۱۳۵۳ش ایران از نظر کشاورزی رسماً اعلام ورشکستگی کرد. همین زمان وزیر وقت کشاورزی اعلام کرد: ما نمی‌توانیم نیازهای داخلی خویش را تأمین کنیم و هیچ وقت قادر نخواهیم بود به خود کفایی کشاورزی برسیم. تاثیر اصلاحات ارضی بر روند مهاجرت و پیامدهای سیاسی آن در کشور تفاوت چشمگیری در جمعیت شهری و روستایی طی سه مرحله اصلاحات ارضی گذاشت که می‌توان آن را به افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها نسبت داد. خاتمه این بحث

می توان گفت که در مرحله نخست به اصطلاح تقسیم اراضی، دست کم به شکل نمایشی بخشی از زمین های بایر و غیر مزروعی را از مالک گرفتند و در دسترس دهقان قرار دادند. اما در مرحله دوم اصولاً سخنی از تقسیم نیست و آئین نامه مصوب مجلسین بر پایه تقسیم اراضی ردیف نشده بلکه به مالکان در راه چگونگی بهره گیری از دهقانان و روستاییان یک سلسله اختیاراتی داده شده است و کشاورزان باید ناگزیر آنچه ارباب اراده کند بپذیرند همچنین بسیاری از کشاورزان به علت ناتوانی در پرداخت اقساط، زمین های خود را از دست دادند. در مرحله سوم که در سال ۱۳۴۷ ش تصویب شد، مالک می بایست بخشی از زمین های خود را به کشاورزانی که روی آن کار می کنند بفروشد و یا میان خود آنان تقسیم کند. مرحله سوم اصلاحات ارضی با فشار ناراضیان، به مسئله اجاره زمین ها، برنامه های تند و پرشتاب پیشین را به فراموشی سپرد و سرانجام با به هم ریختن مسئله زمین در ایران و نیافتن جایگزینی کارآمد برای مشکلات کشاورزان و دهقانان در سال ۱۳۵۰ ش، پایان آن اعلام شد. (حقدار، ۱۳۹۶: ۳۵۱)

### تأثیر اصلاحات ارضی بر مهاجرت مردم از روستاها به شهرها در دوره پهلوی و پیامدهای آن

در دهه ی چهل خورشیدی اصلاحات ارضی در ایران به منظور تقویت طبقه متوسط و ایجاد قشر جدید دیوانسالاری اداری شکل گرفت. گفته می شد ملاکین و زمین داران نه تنها قدرت اقتصادی، بلکه قدرت سیاسی را هم در دست گرفته اند. ملاکین با خریدن آرا روستائیان، نمایندگان مورد نظر خود را به مجلس می فرستادند و نمایندگان هم قوانینی تصویب می نمودند که مطابق منافع ملاکین باشد. بنابراین تصمیم گرفته شد اصلاحاتی به منظور شکل گیری قشر خرده مالک انجام گیرد، هم زمان قرار بود طبقه متوسط شهری پیش از پیش مورد حمایت قرار گیرد تا این طبقه بتواند در آینده ای نزدیک قدرت را به دست گیرد. با نگاهی به گذشته، در سی ساله بین ۱۲۹۹ ه.ش تا ۱۳۲۹ ه.ش زمین داران و متحدها آن ها حدود دو سوم نمایندگان مجلس را تحت کنترل خود گرفته بودند. (شجعی، ۱۳۴۴: ۱۷۹ و ۲۴۹) (آبادیان، ۱۳۹۷: ۷) براساس یک تحقیق در دهه چهل خورشیدی، پنجاه و شش درصد از نخبگان سیاسی ایران، زمین دار بودند. (همان: ۷) حتی پلیس محلی، حکام و ماموران اداری در روستاها به شدت تحت تأثیر زمین داران بودند. (لمبتون، ۱۹۹۱: ۲۷۴-۲۸۱) در حقیقت قدرت مرکزی و ساختار اداری کشور، بیشتر نمایندگان زمین داران بودند تا توده های مردم. بنابراین تصمیم گرفته شد تا اصلاحاتی به منظور ایجاد یک قشر خرده مالک انجام گیرد. هم زمان برنامه هایی برای تقویت طبقه متوسط در نظر گرفته شد، پس تصور می شد این طبقه متوسط جدید همگام با

خرده مالکان نوظهور، می‌توانند قدرت را به دست گیرند و کشور را به سمت رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی هدایت نماید. بدیهی است این برنامه به توصیه دولت جان اف کندی به منظور جلوگیری از نفوذ کمونیسم در ایران انجام شد. (آبادیان، ۱۳۹۷: ۷) در ایران معاصر از سال‌های ۱۳۴۲ ه.ش تا ۱۳۵۷ ه.ش سه عامل در مهاجرت روستائیان به شهرها و شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی نقش داشته‌اند: اصلاحات ارضی، افزایش درآمدهای نفتی و اجرای ناقص برنامه‌های عمرانی و رشد و توسعه اقتصادی. (آبادیان، ۱۳۹۷: ۶) بر اساس طرح اصلاحات ارضی زمین‌های ملاکین بین روستائیان تقسیم شد و روستائیان به تنهایی پولی نداشتند تا زمین‌ها را زیر کشت ببرند، بنابراین عملاً زمین‌های کشاورزی فاقد حاصلخیزی قابل توجه می‌شدند. در این زمان سیستم تعاونی در کشور وجود نداشت تا صاحبان زمین‌های کوچک به طور مشترک کشاورزی نمایند و سود حاصله را بین خود تقسیم نمایند، بالاتر از همه این‌که زمین‌های کوچک ارزش اقتصادی نداشتند تا در آن‌ها محصولی کشت شود. به همین دلیل اغلب دهقانان زمین‌های خود را فروخته و برای کارگری به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌نمودند؛ به تدریج بخش عمده‌ای از این جمعیت حاشیه‌نشین شدند. (اشرف و بنوعیزی، ۱۹۸۵: ۳-۴) در این مورد برخی بر این باورند که طرح اصلاحات ارضی، باعث شد روستائیان زیادی فقیرتر از پیش شوند و همین امر آن‌ها را وادار نمود تا به شهرها مهاجرت نمایند. (هوگلاند، ۱۳۸۰: ۳-۶) به دنبال اصلاحات ارضی، طبق آمارهای رسمی، دو سوم روستائیان به خرده مالک تبدیل شدند، یک سوم باقی‌مانده روستائیان همچنان فقیر باقی ماندند که به صورت فصلی روی زمین‌های دیگران کار می‌کردند. (عظیمی، ۱۳۶۱: ۷۴-۹۴) اما در مقام عمل در نیمه‌های چهل خورشیدی کشاورزی مکانیزه و استفاده از تراکتور و همچنین سایر تجهیزات جدید کشاورزی، باعث مهاجرت بیش از پیش مهاجران به سوی شهرهای بزرگ شد، زیرا این گروه به دلیل تحولات ناشی از اصلاحات ارضی بیکار شده بودند. این گروه‌های انسانی عمدتاً به سوی حاشیه‌های شهرهای بزرگ سوق داده می‌شدند، برخی از این مهاجران به کارگران غیر ماهر شهری تبدیل شدند، عده‌ای به مشاغل غیر مولد روی آوردند و برخی دیگر روانه کوره پزخانه‌ها گردیدند و در حقیقت استعمار مضاعف می‌شدند. (آبادیان، ۱۳۹۷: ۹) در سال ۱۳۴۲ ه.ش حدود ۶۲ درصد از کارگران مهاجر در تهران کارگران ساده بودند، ۱۲ درصد از این گروه کارگران نیمه ماهر و ۱۴ درصد کارگران ماهر به شمار می‌رفتند. طبق تحقیقاتی که در سال ۱۳۵۱ ه.ش در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی انجام شده، ۹۱ درصد از نگهبانان نان شهر تهران که در مکان‌های عمومی، خانه‌های اعیان و اداره‌های دولتی کار می‌کردند،

از مهاجرین روستایی بودند. ۹ درصد بقیه ننگهبانان از شهرهای کوچک به تهران مهاجرت کرده بودند. به طور کلی ۷۲ درصد این گروه آماری، بیشتر کشاورز و خرده مالک بودند. برخی از گروه های مهاجر به شهر تهران که نمی توانستند با موازین فرهنگی شهر تهران منطبق شوند، ناچار به حاشیه نشینی وادار می شدند. از نظر اجتماعی این گروه ها نمی توانستند تعلق خاصی به یک طبقه معین داشته باشند، از نظر سیاسی حاشیه نشین ها نظم موجود را مورد تهدید قرار می دادند و از نظر اقتصادی درآمد مشخصی نداشتند. بالاتر این که از نظر فرهنگی قشرهای حاشیه ای اجتماع در شهر تهران نمی توانستند خود را با موازین زندگی شهر نشینی و الگوهای آن وفق دهند؛ کلیه این عوامل منجر به بحران های هنجاری بین مهاجرین روستایی و بیش از همه حاشیه نشینی می شد. بخش عمده ای از قشرهای حاشیه نشین در کپرها، زاغه ها، حلبی آبادها و گودها زندگی می کردند، شغل اصلی آن ها دستفروشی، دوره گردی و کارگری در کوره های آجرپزی و کارگری در شرکت های ساختمانی بود. (آبادیان، ۱۳۹۷: ۱۰)

قانون اصلاحات ارضی، طرح انتقال زمین از مالکان بزرگ به دهقانان و کشاورزان بود که در دهه ۱۳۴۰ ش آغاز شد و نزدیک به ۱۰ سال اجرای آن به درازا کشید که پیامدها و اثرات جبران ناپذیری بر اقتصاد و ساختار اجتماعی ایران، بر جای گذاشت. با اجرای طرح اصلاحات ارضی، وضعیت جامعه ایران دگرگون شد. شهرها گسترش فراوان یافتند، روستاهای زیادی خالی از سکنه و ورشکسته شدند. در این میان فشار زیادی بر اقتصاد خانواده های ایرانی وارد شد، در نتیجه هنوز دو دهه از این اصلاحات سپری نشده بود که شاهد بحران های متعددی در کشور بودیم. یکی از مهم ترین پیامدهای اصلاحات ارضی، افزایش بی رویه جمعیت شهرها بود. به دنبال اجرای اصلاحات ارضی، کشاورزی نابود و شهرها از کشاورزها انباشته شد. کنترل قیمت محصولات کشاورزی مانند گندم، افزایش جمعیت، مهاجرت کنترل نشده روستاییان به شهرها، بی توجهی دولت به مازاد محصولات به عنوان منبعی برای تأمین درآمد به دلیل استفاده از عواید نفت از مهم ترین مسائلی بود که باعث کاهش محصولات کشاورزی شد. (امینی، ۱۳۸۱: ۲۵۴)

بنابراین برنامه اصلاحات ارضی، در اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی ایران را از یک کشور خودکفا در محصولات کشاورزی تبدیل به وارد کننده مواد غذایی نمود و متعاقب با آن، به خاطر راکد ماندن کارهای روستایی، کشاورزان به سرعت جذب مجتمع های صنعتی و کارخانجاتی شدند. رژیم پهلوی که امید خود را برای سودآوری تولیدات کشاورزی از دست داده بود، آینده ای برای کشور جز از طریق رو آوردن به صنعت و تجارت ندید. (صمیمی، ۱۳۷۴: ۱۶۸) ویلیام شوکراس نویسنده معروف هفته

نامه «آبزرور» و «واشنگتن پست» اوضاع ایران بعد از اجرای برنامه اصلاحات ارضی را این گونه به تصویر می‌کشد: اصلاحات ارضی که قرار بود به روستاییان کمک کند، رفته رفته به زانو درآمد. اکنون آشکار شده بود که یکی از اهداف اصلاحات ارضی نه آزاد ساختن دهقانان، بلکه تقویت کنترل حکومت مرکزی بر زندگی آنان بوده است. افزون بر آن ایجاد مؤسسات کشت و صنعت به وسیله بانک‌ها و شرکت‌های چند ملیتی اروپایی و امریکایی تشویق می‌شد. در فاصله ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۶ بیش از ۵۰ هزار روستایی از زمین‌های خود محروم شدند، آن هم به خاطر هیچ. چون کلیه مؤسسات کشت و صنعت مدرن با شکست روبه‌رو شدند. (دلدم، ۱۳۷۲: ۱۸۷) ضعف در ساختارها و عدم آگاهی کارگزاران اجرایی، عامل مهمی در ناکامی برخی از جنبه‌های برنامه اصلاحات ارضی بود. (هالیدی، ۱۳۵۸: ۲۷) تقسیم درست و عادلانه زمین‌ها یکی از مهم‌ترین سیاست‌های اصلاحات ارضی در سطح جهانی محسوب می‌شود و در حقیقت عامل ایجاد انگیزه برای ماندن در روستا است، ولی در ایران، توزیع ناعادلانه زمین، مشخصه‌ی اصلی اجرای طرح اصلاحات ارضی بود. برخلاف ادعای دولتمردان و شخص شاه در خصوص تبدیل ایران از یک کشور فئودالی به کشور آزاد و صنعتی، با اجرای ناقص قانون اصلاحات ارضی، مهاجرت از روستاها و گسترش حاشیه نشینی شهری رو به افزایش گذاشت. (ازغندی، ۱۳۸۲: ۲۴) (بصیرت منش و همکاران، ۱۴۰۲: ۴) در جریان اصلاحات ارضی، نه تنها نزدیک به دو میلیون و هشتصد هزار نفر از دهقانان، بدون هیچ گونه حقی بر زمین به حال خود رها شدند، بلکه نزدیک به یک میلیون نفر از دهقانان کم زمین، با توجه به مشکلات موجود در تولید، مجبور به واگذاری اراضی خود به صورت اجاره و یا فروش شدند و به شهرها مهاجرت نمودند (رزاقی، ۱۳۶۷: ۶۵۲) و از آن جا که شرکت‌های سهامی زراعی از ماشین‌های مدرن کشاورزی استفاده می‌نمودند، امکان استخدام همه‌ی سهامداران در شرکت وجود نداشت. (کدی، ۱۳۶۹: ۲۵۰) گسترش غیر اصولی مهاجرت‌ها به خاطر عدم توان پاسخگویی به مسائل مهاجرین بر مشکلات شهری افزود. سیل مهاجران به شهرهای بزرگ، پدیده حاشیه نشینی را در حکم یکی دیگر از معضلات عمده شهری ظاهر ساخت. از پیامدهای افزایش جمعیت ساخت شهرک‌ها و رونق آپارتمان‌سازی بود. (انصاری، ۱۳۷۹: ۴۴۰) (بصیرت منش و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۰) روستائیان مهاجری که به شهرها مهاجرت نمودند، عمدتاً به عنوان کارگر غیر ماهر در کارخانه‌های بزرگ صنعتی به کار مشغول می‌شدند اما از سیستم تأمین اجتماعی مثل بیمه بهداشتی، بیمه از کارافتادگی و حق بیکاری محروم بودند و از این رو روستائیان که تنها منبع درآمدشان کشاورزی و زراعت بود ناگزیر جلای وطن نمودند و به شهرها مهاجرت نمودند.

که این خود باعث شکل گیری اقشار جمعیتی جدید و نابسامانی در شهرها شد. با اجرای اصلاحات ارضی، وضعیت جامعه ی ایران به شکل دیگری شد. شهرها گسترش فراوان یافتند، روستاهای زیادی از سکنه خالی و به دنبال آن بسیاری نابود شدند. (عظیمی، ۱۳۷۴: ۱۳۵) (راستگو و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۵۶) در این میان فشار زیادی بر جامعه ی ایرانی وارد شد، در نتیجه هنوز دو دهه از این اصلاحات نگذشته بود که ما شاهد بحران های سیاسی معتددی در کشور بودیم. شهرهایی مانند تهران در سالهای دهه ی پنجاه خورشیدی بیش از سه میلیون جمعیت داشت. این جمعیت از شهرها و روستاهای دور و نزدیک به تهران مهاجرت کردند. از سوی دیگر با نحوه ی زندگی در این شهر آشنایی نداشتند. یعنی در حقیقت شهروند نبودند و فقط ساکن بودند و بر همین اساس هم شاهد ناآرامی های اجتماعی ناشی از برخورد خرده فرهنگها بودیم. البته باید گفت که روند مهاجرت در سالهای اولیه ی اصلاحات ارضی دارای سرعت بالایی نبود. به گونه یی که نرخ مهاجرت در دوره ی ۱۳۵۴-۱۳۴۲ش حدود ۱/۶ درصد بوده است. یعنی سالانه حدود ۲۷۰۰۰۰ نفر از روستاها به شهرها مهاجرت می نمودند و در عین حال هر سال ۳۰۰۰۰۰ نفر در اثر زاد و ولد بر جمعیت روستاها افزوده می شد. در این مورد می توان گفت که بیشترین میزان مهاجرت ها تا سال ۱۳۴۳ش حدود ۱/۶ میلیون نفر (۳۸ درصد) از کل مهاجرین و تا سال ۱۳۵۶ش حدود ۵۰ درصد کل مهاجرین کشور جذب تهران و استان مرکزی شده اند. (راستگو و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۵۶) برنامه ی اصلاحات ارضی، کشور را از نظر خدمات اجتماعی و بهداشتی دچار تحول نمود و سبب افزایش جمعیت به طرز چشمگیری شد. میزان مرگ و میر کاهش یافت و امید به زندگی که از شاخص های میزان سلامتی است افزایش یافت. نرخ زاد و ولد هم که در گذشته در روستاها و شهرها بالا بود. همه ی این عوامل سبب افزایش جمعیت گردید. در حالی که میزان زمین کشاورزی محدود بود. از سوی دیگر کشاورزان روز به روز به سوی مکانیزه شدن بیشتر پیش می رفتند و این امر باعث افزایش بیکاری در روستاها و شهرهای کوچک گردید که نتیجه ی آن مهاجرت به شهرهای بزرگ بود. مهاجرت های بی رویه در حالی صورت می گرفت که هیچ یک از شهرهای ایران دارای زیرساخت های مدرن و کارآمد شهری مناسب نبودند و توان پذیرش این حجم از جمعیت را نداشتند و مشکلات و معضلات گوناگونی چون ترافیک و آلودگی محیط زیست و ... در شهرها به وجود آمد. یکی دیگر از دلایل مهاجرت به شهرها اختلاف فاحش سطح زندگی در شهر و روستا یعنی وجود امکانات اولیه ی رفاهی، بهداشتی، آموزشی، تفریحی و به طور کلی زرق و برق زندگی می باشد. چون با افزایش درآمدهای نفتی کشور بیشتر سرمایه گذاری های دولت در شهرها صورت گرفت و

شاید بتوان گفت که این سرمایه‌گذاری‌ها به جای این که صرف ایجاد بنیادهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شود به نوعی صرف ظاهرسازی در شهرها شد، تا ایجاد بنیادهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی. (راستگو و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۵۶) شرایط اقتصادی مناطق روستایی کشور پس از اصلاحات ارضی مانع از سرمایه‌گذاری اکثر کشاورزان بر روی زمین و بهبود روش‌های سستی کشت شد. در نتیجه، بسیاری از کشاورزان پس از اصلاحات به ندرت توانستند تولیدشان را به طور قابل توجهی افزایش دهند. با توجه به این موضوع که کشاورزان غالباً به کشت محصولات غذایی مشغول بودند و معمولاً مازاد بر نیازهای مصرفی خود را به فروش می‌رساندند. این امر به ویژه در مورد کشاورزان خرده‌پا صدق می‌نمود زیرا آن بخش از محصولاتی که می‌فروختند معمولاً مازاد بر نیاز مصرفی‌شان نبود بلکه آن را فقط برای خرید سایر نیازمندی‌هایشان به فروش می‌رساندند. (خسروی، ۱۹۸۱: ۲۷) (راستگو و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۵۶) خود مصرفی کشاورزان هنوز انگیزه اصلی اکثر آنان پس از اصلاحات ارضی محسوب می‌شد ولی این موضوع لزوماً به معنی خودکفایی و خوداتکایی نیست دلیل اصلی عدم بهبود تولید اکثر کشاورزان خرده‌پا و تداوم اقتصاد معیشتی در اغلب روستاهای کشور، باید ناشی از اندازه کوچک زمین‌های کشاورزان بوده باشد. (هوگلاند، ۱۹۸۲: ۹۳-۹۴) صرف نظر از اختلافات جزئی فقرای روستایی عمدتاً از دو گروه کارگران فاقد زمین و کشاورزان خرده‌پا تشکیل می‌شدند با توجه به نتیجه‌گیری اخیر مبنی بر این که تولید تعداد زیادی از کشاورزان خرده‌پا حتی کفاف مصرف‌شان را نمی‌داد. می‌توان چنین استدلال نمود که درآمد بسیاری از فقرای روستایی برای یک زندگی معیشتی متعادل هم کافی نبود. (راستگو و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۵۶) پس از اجرای اصلاحات ارضی ۶۰/۳ درصد جمعیت روستایی به مالکیت زمین دست پیدا کردند. تعداد زیادی از مالکان با بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف مانع از تقسیم زمین خود شدند. آنها با اخراج زارعان از اراضی و ویران کردن روستاها زمین‌های وسیعی را به صورت یکپارچه در آورده و به اراضی مکانیزه تبدیل نمودند که به دنبال آن تعداد زیادی از زارعان به منظور دست یافتن به کار به شهرها مهاجرت کردند. میزان تولیدات زراعی پس از اصلاحات ارضی به علت نبود توانایی زارعان در تأمین عوامل تولید کاهش پیدا کرد. با توجه به افزایش سطح مصرف و مخارج آنها به دنبال گسترش روابط روستاها با مراکز شهری درآمد حاصل از کشاورزی قادر به تأمین معیشت آنها نبود، لذا دهقانهای کم‌زمین و خرده‌پا برای تأمین نیازهای خود و کسب درآمد بیشتر مجبور به مهاجرت به شهرها شدند و در بعضی نواحی که دامداری نقش مهمی در درآمد، تأمین معاش و ایجاد اشتغال داشتند پس از ملی شدن مراتع و جنگل‌ها قادر به استفاده از مراتع منطقه برای

تأمین علوفه دام های خود نشدند و این مسأله موجب شد که بسیاری از آنها کار خود را از دست دهند و بر جمعیت بیکارانی که به شهرها مهاجرت کردند، افزوده شود. میزان اشتغال در بخش های دیگری همانند خدمات ساختمان، صنعت و معدن افزایش پیدا نمود. به این صورت که تعداد شاغلین بخش خدمات افزایش پیدا نمود. اشتغال در بخش کشاورزی به نفع بخش های خدمات، ساختمان و صنعت و معدن کاهش پیدا کرد و تعداد زیادی از نیروهای فعال جامعه روستایی در شهرها سکونت گزیدند که موجب کاهش جمعیت روستایی و رشد جمعیت شهری شد. اکثریت نیروهای فعال منطقه را مردان تشکیل می دادند، لذا بسیاری از مهاجرت ها به صورت انفرادی صورت می گرفت و فقط مردان در جستجوی کار به منظور یافتن شغل به نواحی شهری مهاجرت می کردند، که پایین بودن نرخ رشد جمعیت مردان نسبت به زنان در روستاها در سالهای ۱۳۴۵ش تا ۱۳۵۵ش این مسأله را تأیید می نماید. هدف از اجرای اصلاحات ارضی آزاد شدن نیروی کار از بخش کشاورزی و انتقال آن به بخش صنعت بود، اما با توجه به اینکه حوزه صنعت در منطقه بسیار ابتدایی و توسعه نیافته بود نیروی فعال روستایی به صورت کارگر در بخش های خدمات و ساختمان در شهرها جذب شدند و تعداد زیادی از آنها در این نواحی سکونت دائمی اختیار نمودند. مقایسه جمعیت مردان فعال نواحی روستایی و شهری نشان می دهد که در فاصله سال های ۱۳۴۵ش و ۱۳۵۵ش اختلاف بین جمعیت مردان به صورت معناداری کاهش یافته است. جمعیت مردان ۱۵ تا ۱۹ ساله در روستاها در سال ۱۳۴۵ش تقریباً چهار برابر این جمعیت در شهرها بود، در حالی که در سال ۱۳۵۵ش نسبت این جمعیت در نواحی روستایی فقط دو برابر نواحی شهری بود، بنابراین با وجود افزایش جمعیت در روستاها، طی این دهه، جمعیت این گروه سنی در این نقاط دو برابر کاهش داشته است. بیشتر مردانی که در این گروه سنی قرار داشتند به منظور دست یافتن به امکانات آموزشی و تحصیل در مقاطع بالاتر به شهرها مهاجرت نمودند. در نتیجه پدیده مهاجرت فقط به علل اقتصادی همانند بیکاری و یافتن موقعیت های شغلی نبوده است. مهاجرانی که به علت اقتصادی و یافتن کار به شهرها مهاجرت نمودند در فاصله سنی ۲۰ تا ۲۴ سال و ۲۵ تا ۲۹ سال قرار داشتند. جمعیت مردان در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال در سال ۱۳۴۵ش تقریباً دو نیم برابر تعداد مردان شهری بود که در سال ۱۳۵۵ش این نسبت به یک و نیم برابر کاهش یافت. در سال ۱۳۴۵ش در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال جمعیت مردان روستایی پنج برابر جمعیت مردان شهری بود که در سال ۱۳۵۵ش به دو نیم برابر کاهش پیدا کرد. لذا، عامل اقتصادی و تلاش برای یافتن شغل در شهرها اغلب در دو گروه سنی مذکور بود. مهاجرین علت اصلی مهاجرت خود را کمبود زمین و عدم کفاف آن در تأمین معیشت خود ابراز نمودند.

اختلاف سطح درآمد روستایی و شهری، عدم وجود امکانات رفاهی، ادامه تحصیل فرزندان خود و عدم وجود امکانات آموزشی در روستا را علت اصلی مهاجرت می‌دانستند. فراهم نمودن آینده بهتری برای فرزندان خود از طریق تحصیل. (زرگر، ۱۳۹۵: ۷۴) دو عامل فشار روستایی و کشش شهری در مهاجرت روستاییان نقش داشته است. زارعان بی زمین و کم زمین و خوش نشین‌ها به علت از دست دادن موقعیت‌های شغلی و کارکرد خود در روستاها به صورت نیروهایی که در جستجوی کار بودند به شهرها مهاجرت نمودند. زارعی نیز که مالکیت زمین را به دست آورده بودند و نسبت به روستاییان دیگر دارای جایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری بودند تحت تأثیرکشش و جاذبه شهرها دست به مهاجرت زدند. مهاجرت روستاییان متغیرهای جذب بازار کار شهری و اختلاف در بازده کار بخش روستایی و شهری بود. پایین ماندن قیمت محصولات کشاورزی و در نتیجه کاهش درآمد ناشی از آن موجب شد که روستاییان فعالیت در بخش خدمات و ساختمان در شهرها را که دارای درآمد بسیار بالاتری بود به ماندن در روستا ترجیح دهند. لذا، کشاورزان اراضی خود را رها کرده با خانواده خود به شهرهای بزرگ مهاجرت کردند، به عبارت دیگر مهاجرت روستاییان از سال ۱۳۴۹ش به بعد در ارتباط با اصلاحات ارضی نبود، بلکه متأثر از جاذبه‌های زندگی شهری و بالا بودن سطح رفاه شهری نسبت به روستاها بود اگرچه نمی‌توان تأثیرکشش و جاذبه‌های زندگی شهری بر مهاجرت روستاییان منطقه را انکار کرد. در مجموع از جنبه اقتصادی دولت دیگر وابسته به مازاد محصولات کشاورزی به عنوان منبعی برای تأمین مالی غذا و صادرات نبود چون عواید نفت، به راحتی از دست‌دادن حتی تمامی عواید کشاورزی را جبران می‌کرد و وجه سیاسی آن ایجاد کشت و صنعت و شرکت‌های زراعی، یک بخش کشاورزی مدرن کوچک ایجاد کند و اکثریت جمعیت روستایی را به کارگزاران شهرنشین بدل کند. (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۳۵۴ - ۳۵۳) و در پایان سیستم سنتی کشاورزی و زراعت به هم خورد و با زیاد شدن واردات کشاورزی و به تبع آن مهاجرت به شهرها و حاشیه‌نشینی و همچنین حلبی‌آبادها رواج پیدا نمود.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت می‌توان گفت که اولین و مهم‌ترین نتیجه و تأثیر اجرای برنامه اصلاحات ارضی در کشور، کاهش محصولات کشاورزی و به تبع آن سرازیری سیل واردات کشاورزی از خارج بود. در یک سال پس از اجرای اصلاحات، تولید کشاورزی به نصف کاهش یافت. به این ترتیب بعد از

اجرای برنامه اصلاحات ارضی ایران به بزرگترین وارد کننده گندم تبدیل شد. اصلاحات ارضی پیامدهای مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشت. پیامد سیاسی آن در کوتاه مدت موفقیت آمیز بود ولی در بلند مدت به عنوان پاشنه آشیل حکومت پهلوی عمل نمود. پیامد اقتصادی آن برای روستائیان این بود که هرچند روستائیان توانستند صاحب زمین شوند ولی بعضی از این روستائیان از داشتن زمین بی بهره ماندند و در پایان سیستم سستی روستا با این عدم توازن به هم خورد. اصلاحات ارضی که قرار بود به روستائیان کمک کند، رفته رفته به زانو درآمد. اکنون آشکار شده بود که یکی از اهداف اصلاحات ارضی نه آزاد ساختن دهقانان، بلکه تقویت کنترل حکومت مرکزی بر زندگی آنان بوده است. اما پیامد مهم اصلاحات ارضی جنبه اجتماعی آن بود که با مکانیزه شدن سیستم کشاورزی بسیاری از روستائیان که بهره کمتری از تقسیم اراضی بردند و یا به عنوان کسانی که بر روی زمین های زمین داران بزرگ کار می نمودند از کار بیکار شدند و به دنبال آن برای تامین معیشت خود و خانواده خود به شهرها مهاجرت نمودند و با ورود آن ها به شهرها آن ها که تخصص داشتند توانستند برای خود شغلی پیدا نمایند و آن هایی که تخصص خاصی نداشتند از بازار کار بی بهره بمانند که این خود تبعات اجتماعی را برای گروه اخیر و رشد بی رویه جمعیت شهرها و در نهایت موجب حاشیه نشینی و ایجاد حلبی آباد ها شد. با اصلاحات ارضی نه تنها قدرت فئودالی از بین نرفت بلکه این قانون باعث افزایش ثروت مالکان و فقیر شدن کشاورزان شد. کشاورزان تهی دست که تا دیروز با پول مالکان روی زمین کار می کردند با اجرای برنامه اصلاحات ارضی قدرت پرداخت مخارج سنگین کشاورزی که بابت زمین بر آنان تحمیل شده بود، را نداشتند. در خاتمه دستاورد این اصلاحات مختل شدن کشاورزی، سرازیر شدن روستائیان بیکار به شهرها، پدید آمدن آلونک‌هایی در حاشیه برخی شهرها و مهمتر از همه به هم خوردن توازن جمعیتی شهر و روستا و به دنبال آن در کوتاه مدت برای مردم پیامدهای اقتصادی- اجتماعی و در بلند مدت برای حکومت پیامدهای سیاسی داشت.

## منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۲). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران: سمت.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، تهران: اطلاعات.
- اشرف، احمد و بنوعزیزی، علی (۱۳۸۸). طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.
- امینی، علیرضا (۱۳۸۱). تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، تهران: صدای معاصر.
- انصاری، هرمز (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اصفهان، ترجمه احمد جواهری، تهران: نقش جهان.
- آبادیان، حسین (۱۳۹۷). اصلاحات ارضی و تبعات اجتماعی مهاجرت روستائیان به شهر تهران، تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۸(۲)، ۱-۲۰.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی.
- بصیرت منش، حمید؛ سادات، سیدمحمود؛ ابراهیمی فیوری، محمد (۱۴۰۲). نقش اصلاحات ارضی در افزایش تنش‌های اجتماعی طی سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ ه.ش در استان اصفهان. تاریخ‌های محلی ایران، ۱۱(۲)، ۱-۱۶.
- پور افضل، حسن؛ نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۵۱). اصلاحات ارضی و واحدهای دسته جمعی تولید کشاورزی، چاپ نخست، شیراز: انتشارات دانشگاه پهلوی.
- خرمشاد، محمداقبر؛ موسی نژاد، محمدجواد (۱۳۹۶). دولت پهلوی، اصلاحات ارضی و نظریه‌ی روستو. علوم اجتماعی، ۲۴(۱)، ۱۷۴-۱۴۵.
- دلدم، اسکندر (۱۳۷۲). زندگی و خاطرات امیرعباس هویدا، تهران: گلفام.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۴). مقالات دهخدا، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: تیرازه.
- راستگو، ایرج؛ ادهمی، عبدالرضا؛ خادمیان، طلیمه (۱۴۰۳). پیامدهای اجتماعی - فرهنگی اصلاحات ارضی در ایران (مطالعه موردی: نواحی شرق استان گیلان). جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۶(۲)، ۱۶۰-۱۵۲.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۷). اقتصاد ایران، تهران: نی.
- سوداگر، محمد (۱۳۵۹). نظام ارباب-رعیتی در ایران، تهران: موسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند.
- شجیعی، زهرا (۱۳۴۴). نمایندگان مجلس ملی شورای در یک و بیست دوره قانونگذاری، تهران: موسسه تحقیقات اجتماعی.
- صمیمی، مینو (۱۳۷۲). پشت پرده تخت طاووس، تهران: اطلاعات.
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۵۶). مسالک المحسنین، چاپ دوم، تهران: شبگیر.

عظیمی، حسین (۱۳۶۱). توزیع و درآمد کشاورزی در آستانه اصلاحات ارضی، مسائل ارضی و دهقانی، تهران: نشر آگه.

کاتوزیان، محمد علی (همايون) (۱۳۷۳). اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه احمد نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.

کدی، نیکی آر (۱۳۶۹). ریشه های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: قلم. کرمی، طاهری مقدم و شایان، سید محمد (۱۴۰۰). گذار از نظام زمین داری به نظام مالکیت زمین از نهضت تنباکو تا اصلاحات ارضی، تاریخ اسلام، ۲۲(۸۶)، ۲۹۴-۲۷۱.

کرمی، شایان (۱۳۹۸). پیامدهای اصلاحات ارضی در غرب ایران، (مطالعه ی موردی: ایلام، کرمانشاه و لرستان)، فرهنگ ایلام، ۲۰(۶۳-۶۲)، ۱۶۵-۱۴۵.

لمبتون، آن (۱۳۸۱). اصلاحات ارضی در ایران، ترجمه مهدی اسحاقیان، تهران: امیر کبیر.

محیط طباطبایی، محمد (۱۳۲۷). مجموعه آثار میرزا ملکم خان، تهران: علمی.

مرشدی زاده، علی (۱۳۸۶). حزب توده، تحولات سیاسی - اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، به اهتمام مجتبی مقصدی، تهران: روزنه.

مقصدی، مجتبی (۱۳۸۰). تحولات سیاسی - اجتماعی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰، تهران: روزنه.

مهدوی، مسعود (۱۳۷۷). مقدمه ای بر جغرافیای روستایی ایران، جلد اول، تهران: سمت.

وثوقی، منصور؛ عبداللهی، حسین (۱۳۹۳). ساختار طبقاتی جامعه ی ایران و روند تحولات آن فاصله ی سالهای ۱۳۳۵ الی ۱۳۹۰، مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهری)، ۵(۱۳)، ۸۸-۸۲.

هالیدی، فرد (۱۳۵۸). ایران: دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران، ترجمه فضل الله نیک آیین، تهران: امیرکبیر.

هوگلاند، اریک (۱۳۸۱). زمین و انقلاب در ایران (۱۳۶۰-۱۳۴۰)، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: شیرازه.